

آماده‌باش پلیس

در مواقع بحران

سخنگوی ناجا

از خدمت رسانی

پلیس در مواقع

بحران در کمترین

بازه زمانی خیر داد.

سردار سعید

منتظرالمهدی در



حاشیه جشنواره تهران شهر امن به آمادگی پلیس تهران در حوادث غیر مترقبه به‌خصوص زلزله پرداخت و با بیان این مطلب که استان‌های معین مشخص شده‌است از مردم خواست آرامش خود را حفظ کنند. وی ادامه داد: اگر اتفاق بزرگی به وقوع بپیوندد بخشی از خانواده پلیس هم درگیر خانواده خود می‌شود اما مردم بدانند پلیس تعهدیات لازم را اندیشیده و تجهیزات تکمیل‌رسانی را آماده کرده‌است.

- حمله به پلیس در جاجرد**

وی در خصوص حادثه حمله به مأموران پلیس در جاجرد گفت: شامگاه سه‌شنبه مأموران پلیس از وقوع نزاع در یکی از محله‌های جاجرد با خبر شده و در محل حاضر شدند که با حضور پلیس آرامش نسبی برپا شد، اما مجدداً نزاع از سر گرفته شد و متأسفانه به سمت مأموران پلیس حمله کردند که پلیس مجبور به تیراندازی شد و در این بین یک‌نفر جان خود را از دست داد. وی افزود: چنانچه تصویری متوجه مأمور پلیس باشد ناجا به آن رسیدگی می‌کند.

کسانی که شئونات اسلامی را رعایت نکنند به جای بازداشت آموزش می‌بینند

رئیس پلیس تهران گفت: افرادی که شئونات اسلامی را رعایت نمی‌کنند دیگر به بازداشتگاه نمی‌روند و پرونده پروایشان تشکیل نمی‌شود بلکه توسط پلیس آموزش می‌بینند، سردار حسین رحیمی روز گذشته در نخستین جشنواره تهران – شهر امن گفت: مسئول برقراری نظم و امنیت بر عهده حاکمیت است و نباید بخش امنیت را به بخش خصوصی واگذار کرد. امنیت، تولید خدمات عمومی است و این امنیت به تنهایی از سوی پلیس تولید نمی‌شود بلکه باید همه دست به دست هم‌دهیم تا امنیت تولید شود و مسئولیت پلیس توسعه و تعمیم امنیت است. سردار رحیمی افزود: حرکت‌های اقتصادی – اجتماعی – سیاسی – عمرانی همه با وجود گوهر ارزشمند امنیت میسر است.

وی گفت: باید در خصوص احساس ناامنی مردم فکری کنیم زیرا میزان افکار احساس ناامنی در ذهن مردم بیشتر از خود ناامنی است. رئیس پلیس پایتخت افزود: خوشبختانه در همه جرائم یک روند رو به کاهش را شاهدیم، اما همچنان در بحث سرعت باید تلاش کنیم.

وی گفت: با تشکیل مراکز مشاوره در کلانتری‌ها، سر کلانتری‌های و پلیس‌های تخصصی توانستیم ۶ هزار و ۱۹۵ پرونده را در همان مراکز انتظامی و صلح و سازش برسانیم. سردار رحیمی افزود: علاوه بر بحث تخلفات ارتدگی در ۹۶ ماه گذشته بیش از ۲۸۷هزار راننده متخلف را در مراکز آموزشی آموزش دادیم.

وی گفت: در بحث شئونات اسلامی نیز کسانی را که غفلت‌هایی در این حوزه داشتند دیگر به مراجع قضائی معرفی نکردیم، بلکه آنها را به جلسات آموزشی برای اصلاح رفتارشان فرستادیم. وی ادامه داد: از این پس افرادی که شئونات اسلامی را رعایت نکرده دیگر به بازداشتگاه نمی‌روند و پرونده پروایشان تشکیل نمی‌شود. برخی در کلاس‌های آموزشی پلیس شرکت می‌کنند. رئیس پلیس پایتخت افزود: امسال ۱۲۱ جلسه آموزشی در این حوزه برگزار کردیم که بیش از ۷هزار و ۹۰۰ نفر در این کلاس‌ها آموزش دیدند.

وی گفت: در بحث شئونات اسلامی نیز کسانی را که غفلت‌هایی در این حوزه داشتند دیگر به مراجع قضائی معرفی نکردیم، بلکه آنها را به جلسات آموزشی برای اصلاح رفتارشان فرستادیم. وی ادامه داد: از این پس افرادی که شئونات اسلامی را رعایت نکرده دیگر به بازداشتگاه نمی‌روند و پرونده پروایشان تشکیل نمی‌شود. برخی در کلاس‌های آموزشی پلیس شرکت می‌کنند. رئیس پلیس پایتخت افزود: امسال ۱۲۱ جلسه آموزشی در این حوزه برگزار کردیم که بیش از ۷هزار و ۹۰۰ نفر در این کلاس‌ها آموزش دیدند.

وی گفت: در بحث شئونات اسلامی نیز کسانی را که غفلت‌هایی در این حوزه داشتند دیگر به مراجع قضائی معرفی نکردیم، بلکه آنها را به جلسات آموزشی برای اصلاح رفتارشان فرستادیم. وی ادامه داد: از این پس افرادی که شئونات اسلامی را رعایت نکرده دیگر به بازداشتگاه نمی‌روند و پرونده پروایشان تشکیل نمی‌شود. برخی در کلاس‌های آموزشی پلیس شرکت می‌کنند. رئیس پلیس پایتخت افزود: امسال ۱۲۱ جلسه آموزشی در این حوزه برگزار کردیم که بیش از ۷هزار و ۹۰۰ نفر در این کلاس‌ها آموزش دیدند.

کودک روده شده براز جانی آزاد شد

کودک ۱۱ساله که روز گذشته از مقابل مدرسه‌ای در شهرستان برازجان روده شده بود در سلامت کامل آزاد و به خانواده‌اش تحویل داده شد.
سردار خلیل واعظی، فرمانده انتظامی استان بوشهر توضیح داد: صبح دیروز سه سرنشین یک دستگاه خودرو در حالیکه سسر و صورت خود را پوشانده بودند کودک ۱۱ساله را مقابل مدرسه ای در خیابان فرهنگیان برازجان روده و متلاشی می‌شدند. وی ادامه داد: با تماس شهروندان، مأموران پلیس با تحقیقات میدانی و همکاری مردم، مسیرهای فرار و مخفیگاه آدم‌ربایان را در یکی از روستاهای برازجان شناسایی کردند.
سردار واعظی گفت: با نزدیک شدن پلیس به محل نگهداری کودک، آدم‌ربایان را باها کردن گروگان گریختند. وی ادامه داد: کودک گروگان گرفته شده در دست و پایانش بسته بود آزاد و سالم تحویل خانواده‌اش شد.

فرمانده انتظامی استان بوشهر بیان اینکه هویت ربایندگان شناسایی شده و تلاش برای دستگیری آنان ادامه دارد، گفت: برابر بررسی‌های اولیه علت این حادثه اختلاف مالی ربایندگان با پدر کودک بوده است.

نگرانی‌های عمومی پس از زمین‌لرزه ۵/۲ ریشتری هفته گذشته تهران هنوز فروکش نکرده بود که شامگاه سه‌شنبه زمین‌لرزه‌ای با شدت کمتر پایتخت را به لرزه در آورد. یک نفر به علت شوک ناشی از حادثه جان باخت و ۴۶ نفر هم در استان البرز هنگام فرار از چار مصدمویت شدند.
احمد صادقی، رئیس مدیریت بحران تهران گفت: تهران در وضعیت زرداست و نیروهای امداد در آمادهباش هستند. زلزله، ساعت ۵:۴ دقیقه پس از نیمه‌شب سه‌شنبه و در حالی که بسیاری از شهروندان در خواب بودند اتفاق افتاد. کلون زمین لرزه در مرز استان‌های تهران و البرز و در نزدیکی ملارد و در عمق ۱۲ کیلومتری زمین روی داد. با وجود اینکه زمین لرزه با قدرت یک ریشتر کمتر از زلزله قبل اتفاق افتاد، اما پیامدهای روانی آن بسیار کمتر از آن چیزی بود که در حادثه قبل شاهد بودیم. به دنبال وقوع حادثه آرامش در خیابان‌های شهر حاکم بود و تدره‌های شبانه‌بدون شکل گیری ترافیک‌های هونلاک به سبک آن چه در زمین لرزه قبل شاهد آن بودیم، روال عادی خود را داشت. در حالی که تمامی نیروهای امدادی، انتظامی و خدماتی در آمادهباش کامل بودند سازمان مدیریت بحران، اعلام کرد که زلزله مربوط به گسل مشکین دشت– آشتهارد و پس از زمین‌لرزه هفته گذشته‌است. براساس گزارش‌های این لرزش در تهران، کرج، شهریار، ری،اطرک،کرم، و اسلامشهر احساس شد و به دنبال آن بسیاری سراسیمه خانه‌های خود را ترک کرده و به خیابان آمدند. احمد صادقی، رئیس مدیریت بحران تهران گفت: پایتخت در وضعیت زرد

حوادث

سرویس حوادث، ۸۸۹۸۴۳۵

پایتخت در وضعیت زرد

است و نیروها آماده هستند. سخنگوی اورژانس کشور هم از فوت مردی ۵۸ ساله به دلیل شوک ناشی از زلزله و ایست قلبی در بیمارستان امام حسین(ع) خبر داد. مهدی مهرور، مدیریت بحران استانداری البرز هم اعلام کرد که حدود ۴۶ نفر هنگام خارج شدن از ساختمان‌ها مجروح شدند که سه نفر از آنها در بیمارستان بستری هستند که این امر صدمه ناشی از تخریب و آسیب مستقیم زلزله محسوب نمی‌شود. وی همچنین از آماده باش کامل همه شهرداری‌ها با تمامی امکانات خود خبر داد.

- پلیس در آمادهباش**

سردار حسین رحیمی، رئیس پلیس پایتخت هم درباره وضعیت تهران بعد از وقوع حادثه گفت: همه چیز تحت نظارت است و سرفقی از منازل گزارش نشده است. وی با تأکید بر اینکه پلیس مسئول برقراری انضباط و امنیت عمومی است، افزود: پلیس از لحظه زلزله به صورت کامل در آمادهباش بوده و پس از زلزله، در سطح شهر حضور داشته است. رئیس پلیس پایتخت تصریح کرد: در زلزله دیشب هم مانند زلزله اول، نیروهای ما تا صبح در میان مردم حضور داشتند و امنیت خانواده‌هایی که بیرون از منزل خوابیده بودند و مراقبت از منازل آنها بر عهده پلیس بود، رحیمی گفت: پلیس تهران بر مبنای طرح احضار پس از وقوع

حوادث غیر مترقبه، خود را به مکان‌های مورد نظر می‌رساند و مأموریت دقیقاً پس از حوادث غیرمترقبه آغاز می‌شود.

- امنیت روانی**

دکتر فرید فدایی، عضو گروه روانپزشکی دانشگاه علوم بهزیستی درباره اثرات روانی زلزله می‌گوید: «احساس امنیت روانی ممکن است با میزان واقعی امنیت کاملاً متفاوت باشد.» او بر این باور است: «به‌طورمثال زمانی که هواپیما سقوط می‌کند و یکصدنفر مسافر جان خود را از دست می‌دهند، احساس عدم امنیت روانی به وجود می‌آید در حالی که هر سال، ۲۵۰ برابر این تعداد در تصادف‌های رانندگی می‌میرند، اما از نظر امنیت روانی در مردم تأثیر ندارد. در مورد زلزله نیز همین مسئله، صق می‌کند به آن معنا که خطر واقعی یا خطر روانی که مردم احساس می‌کنند، ممکن است مطابقت نداشته باشد.»

- درباره چرابی ترس از زلزله**

وی درباره چرابی احساس ترس مردم در این ایام می‌گوید: «زمانی که عامل استرس آور، ناشناخته و نامعین باشد به آن معنا که زمان آغاز آن مشخص نباشد و فرد هم احساس کند برای مقابله با آن، آمادگی ندارد، میزان احساس خطر افزایش می‌یابد، اما اگر عامل قابل پیش‌بینی بوده و امکان مقابله با

بازشدن پرونده جنایی برای شوخی با دست مصنوعی!

متوجه من شد که به صندوق عقب خودرواش خیره شده بودم به سرعت از محل دور شدم، اما من موفق شدم شماره پلاک خودرو را یادداشت کنم. من احتمال دادم او در حال حمل جسد که دست آن بیرون آمده بود به همین دلیل موضوع را به پلیس خبر دادم .

پس از طرح این ادعا مأموران شماره پلاک خودرو را در سامانه پلیس بررسی کردند که مشخص شد خودروی پژو ۲۰۶ متعلق به مرد جوانی به نام کیوان است. بنابراین مأموران کیوان را به عنوان مظنون حمل جسد بازداشت کردند. متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای امور

می‌کردند، اما وقتی حقیقت را به آنها می‌گفتم فقط می‌خندیدن. همین موضوع باعث شد تا این نمایش را ادامه بدهم. **درباره روزی که دست را از صندوق عقب آویزان کرده بود توضیح بده؟** آن روز تصمیم گرفتم به محل زندگی قبلی‌ام در امیرآباد شمالی بروم و دوستان قدیمی‌ام را ببخندانم.

دست مصنوعی را طوری داخل صندوق عقب گذاشتم که مقداری از آن بیرون بود و در صندوق عقب را بستم. وقتی به محله‌مان رسیدم همه مرا با تعجب نگاه می‌کردند و به من خیره می‌شدن تا اینکه پیش دوستانم رفتم و به آنها گفتم اگر از دستورات من اطاعت نکنند دست آنها را قطع می‌کنم و مثل این دست از صندوق عقب خودرو آویزان می‌کنم. دوستانم اول شو که می‌شدند اما وقتی به آنها می‌گفتم که دست مصنوعی است همه می‌خندیدند.

چرا دست مصنوعی گم شد؟ همان روز دست مصنوعی گم شد. فکر می‌کنم یکی از دوستان مخفیانه از صندوق عقب برداشته بود. **فکر می‌کردی به اتهام حمل جسد دستگیر شوی؟** نه. فکر نمی‌کردم دست مصنوعی برای من دردسر آفرین شود.

متوجه من شد که به صندوق عقب خودرواش خیره شده بودم به سرعت از محل دور شدم، اما من موفق شدم شماره پلاک خودرو را یادداشت کنم. من احتمال دادم او در حال حمل جسد که دست آن بیرون آمده بود به همین دلیل موضوع را به پلیس خبر دادم .

ترک خاک ایران و زندان؛ مجازات اسیدپاش ۳زنه

صورتش نمایان بود و در حالیکه عینک دودی زده بود در جایگاه قرار گرفت و شکایتش را مطرح کرد. او در ابتدای توضیحاتش گفت: «شوهرم مرد بدسابقه‌ای بود. او سال‌ها پیش نقشه قتل همسر اولش را کشیده بود و به او نسیم خوراندند. او با موفق به کشتن آن زن نشد. همچنین سال‌ها پیش به خاطر مسائل ناموسی مردی را در افغانستان کشته بود که به شش‌ماه حبس محکوم شد. بعد از دوران محکومیت – ۱۷سال قیل - بود که با هم به ایران آمدم. او ۱۲ فرزند دارد و من مادر هشت‌دختر و پسر از فرزندان او هستم.» شاکتی در ادامه گفت: «هدتی بود شوهرم. به من مشکوک شده بود و هر بار که به خرید می‌رفتم مرا تعقیب می‌کرد. او خیالاتی شده بود و فکر می‌کرد با مغازه‌داران محل در ارتباط هستم. حتی شب‌ها زیر بالشت خودش جاققو می‌گذاشت. آن روز صبح در رختخواب بودم که متوجه شدم فؤاد وارد اتاق شد. او چیزی شبیه یک بطری را پشت خودش پنهان کرده بود. خودم را به خواب زدم

همیشه رفت و آمدهای مادرم را کنترل می‌کرد. چند روز قبل پدرم را در حال بستن ساک مسافرتی‌اش دیدم. وقتی علت را پرسیدم گفت می‌خواهد به افغانستان برود. احتمال می‌دهم پدرم از قبل نقشه اسیدپاشی را طراحی کرده بود.»

پس از این توضیحات، تلاش برای دستگیری عامل اسیدپاشی - فؤاد ۶۲ساله- آغاز شده بود تا اینکه با گذشت پنج‌روز از حادثه فرزندان فؤاد با پلیس تماس گرفتند و گفتند پدرش به خانه برنشته است. به این ترتیب آن مرد بازداشت شد و به جرمش اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «به همسرم مشکوک شدم و تحت تأثیر فکر پولی روی او اسید پاشیدم.» تحقیقات میدانی مأموران نشان داد روز حادثه که شادمهر راهی زندان شده به همسایه‌ها گفته بود که سه نفر را به قتل رسانده، اما همسایه‌ها فکر کرده بودند که متهم توهم زده است. همچنین مأموران در محل حادثه با طناب داری روبه‌رو شدند که مشخص بود قاتل پس از حادثه قصد داشته به زندگی‌اش پایان دهد، اما ششیمان شده است. بنابراین تیم جنایی به شادمهر به عنوان مظنون حادثه مشکوک شدند و وی را برای بازجویی از زندان به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها به قتل همسر و دو فرزندش اعتراف کرد و مدعی شد از مدتی قبل با همسرش شوهرخواهر شادمهر که همسر او بود در دادگاه رسیمت جلسه، ششم فؤاد که آثار سوختگی روی

افغان سه‌زنه که تحت تأثیر یک فیلم روی همسرش اسید پاشیده بود محاکمه و به ۱۰سال حبس، پرداخت دیه و ترک خاک ایران محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، هفدهم مهرماه سال ۹۴، مأموران کلانتری ۱۶۹ مشیره‌ز حادثه اسیدپاشی باخبر و راهی محل شدند. محل حادثه منزلی قدیمی بود که مرد افغان همراه همسر و فرزندانش در آن زندگی می‌کردند. پس از مواجهه با مأموران گفت: «ما هشت‌خوهر و برادر هستیم که با پدر و مادرم‌ان زندگی می‌کنیم. حوالی ساعت ۸صبح بود که با فریادهای مادرم از خواب پریدیم. او می‌گفت سوختم، سوختم و از ما کمک می‌خواست.

با فاصله خودم را به او رساندم که متوجه شدم پدرم روی صورت مادرم اسید پاشیده و گریخته‌است. بعد از آن بود که مادرم را به بیمارستان بردیم و بستری کردیم. او از ناحیه صورت به شدت آسیب دیده‌است.» در ادامه دختر خانواده به مأموران گفت: «پدرم، سه‌زن دارم و مادرم زن سوم اوست. او مرد شاکتی است و

مردی که همسر و دو فرزند ۲ساله و ۱۵روزه‌اش را در جانی‌تی هونلاک به قتل رسانده بود به زودی در دادگاه کیفری محاکمه می‌شود. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۵ عصر روز سه‌شنبه سوم آذرماه سال ۱۳۹۴ بود که قاضی منافی آذر، باز پرسر ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری خانی‌آباد از قتل زن جوانی همراه دو فرزندش با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه که طبقه چهارم آپارتمانی در کوچه شاهدسوم در خیابان طالقانی در جنوب تهران بود با جسد زن ۲۰ساله‌ای به نام سحرین و دو پسر ۳ساله و ۱۵روزه‌زنده به نام‌های آرمان و آیدین روبه‌رو شدند که نخستین بررسی‌ها حکایت از این داشت سه‌مقتول چند روز قبل بر اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده‌اند.

بررسی‌ها نشان می‌داد شوهر این خانواده به نام شادمهر ۲۶ آبان‌ماه پس از درگیری با همسایه روانه زندان شده است.

شوهرخواهر شادمهر که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: شادمهر معتاد به مواد مخدر

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی با اداره پلیس تماس گرفت و ادعا کرد مرد پژو سواری را در حال حمل جسد دیده‌است.

وی به مأموران گفت: محل زندگی‌ام در حوالی امیرآباد شمالی است. ساعتی قبل در حال عبور از خیابان بودم که صحنه عجیبی چشمان مرا به خودش خیره کرد. خودروی پژو ۲۰۶ در حال حرکت دیدم که دست انسانی از صندوق عقب آن آویزان بود. ابتدا فکر کردم اشتباه دیده‌ام، اما وقتی به من نزدیک شد متوجه شدم دست انسانی است که از صندوق عقب خودرو آویزان شده‌است، راننده خودرو که مرد جوانی بود تا

هم برای جلب توجه و خودنمایی بود. **چطور رهگذران و دوستانت متوجه نشدن دست مصنوعی است؟** دست مصنوعی خارجی بود و با توجه به نوع ساخت و جنس با دست طبیعی هیچ فرقی نداشت و فقط در صورت لمس کردن متوجه می‌شدی. **دست مصنوعی را از کجا تهیه کردی؟**

خواهرم در کشور کانادا زندگی می‌کند. مدتی قبل خواهرم برای جشن هالوین از کانادا مقداری وسایل، لباس و این دست مصنوعی را از طریق پست به ایران آمدی من فرستاد. اولین بار که دست مصنوعی را دیدم شوکه شدم چون واقعاً طبیعی به نظر می‌رسید و به همین دلیل تصمیم گرفتم با این دست با دوستانم شوخی کنم.

بیشتر توضیح بده؟ همیشه دست مصنوعی داخل صندوق عقب خودروام بود و هر کجا می‌رفتم به دوستانم نشان می‌دادم. به اولین افرادی که نشان دادم و شوخی کردم همکارانم بودند. آنها را صدا می‌زدم و دست را به آنها نشان می‌دادم و می‌گفتم اگر به حرف‌های من توجه نکنید دست شما را قطع می‌کنم و مثل این دست داخل صندوق عقب خودروام می‌گذارم. تمامی همکارانم اول فکر می‌کردند دست طبیعی است و طور خاصی به من نگاه

بازشدن پرونده جنایی برای شوخی با دست مصنوعی!

متوجه من شد که به صندوق عقب خودرواش خیره شده بودم به سرعت از محل دور شدم، اما من موفق شدم شماره پلاک خودرو را یادداشت کنم. من احتمال دادم او در حال حمل جسد که دست آن بیرون آمده بود به همین دلیل موضوع را به پلیس خبر دادم .

پس از طرح این ادعا مأموران شماره پلاک خودرو را در سامانه پلیس بررسی کردند که مشخص شد خودروی پژو ۲۰۶ متعلق به مرد جوانی به نام کیوان است. بنابراین مأموران کیوان را به عنوان مظنون حمل جسد بازداشت کردند. متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای امور



مرد تحصیلکرده که دست مصنوعی را برای جلب توجه و خندانیدن دوستانش از صندوق عقب خودرواش آویزان کرده بود، فکر نمی‌کرد به اتهام حمل جسد بازداشت و روانه بازداشتگاه شود.

چهارم مدیر بازرگانی یک شرکت بزرگ هلدینگ هستم. سابقه داری؟ نه. اصلاً کلانتری هم نرفتم.

چرا آن روز دست مصنوعی را از صندوق عقب خودروی خودت آویزان کرده بودی؟ بیشتر برای شوخی و خندانیدن دوستانم بود و کمی

آن وجود داشته باشد، احساس نگرانی خیلی کمتر است به‌طور مثال در زاین، مردم در برابر زلزله‌های شدید، هم‌خوسردی خود را از دست نمی‌دهند، زیرا این احساس را دارند که می‌توانند با این دیده‌رو، روبه‌روایی کنند و متضمن خطری برای آنان نیست.»

- حرف‌های غیرکارشناسی مردم را می‌ترساند**

دکتر فدایی یکی از دلایل ترس مردم را طرح اظهارات غیر کارشناسی و ضد تقیض از سوی مسئولان امر می‌داند و می‌گوید: «زمانی که مردم ببینند مسئولان مقابله با بحران، خود به ناتوانی خویش اعتراف می‌کنند، وحشت بیشتری پیدا می‌کنند. در حال حاضر مردم به دلایل مختلفی از جمله آسیب‌های اجتماعی، گرانی، بیکاری و افزایش جرم و جنایت، احساس نگرانی دائمی دارند و سپس این احساس نگرانی ممکن است روی یک عامل بیرونی مانند زلزله متمرکز شود. این مسئله به آن معناست که مردم نگرانی‌هایی را که در مورد عوامل نامبرده شده دارند روی احتمال زمین لرزه، متمرکز می‌کنند و نتیجه آن، آشفتگی شدید در رفتارهای آنان در برابر احتمال زلزله است که نشان دهنده ترس و وحشتی است که تصور می‌کنند قادر به مقابله با آن نیستند. از سوی دیگر مسئولان امر نیز نشان ندادند که می‌توانند مخاطرات را تحت کنترل در آورند. بنابراین در کنار احتمال واقعی خطر زلزله، عدم احساس امنیت روانی، مشکل را دو چندان می‌کند و گاهی، عوارض واکنش‌های روانی ناهنجار بیش از خطر واقعی می‌شود.

پرداخت دیه مجازات قتل تازه عروس



مرد افغان که به اتهام قتل تازه عروس در بازداشت به سر می‌برد با اعلام گذشت دادستان به پرداخت دیه محکوم شد. به گزارش خبرنگار ما، پنج آذر ماه سال ۹۴ بود که قاضی مدبرورستا، بازپرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران باتماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۵ زاری از قتل زن جوانی باخبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند.

تیم جنایی در محل حادثه که خانه قدیمی در حوالی خیابان فروزین بود با جسد غرق در خون ۲۴ساله افغانی به نام گل‌بانو روبه‌رو شدند که باصابات ضربات چاقو به کام مرگ رفته بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد مرد افغانی به نام بشیر که همراه همسرش در خانه باجناقش همجان بوده لحظاتی پس از قتل همسرش با چاقوی خون‌ز از محل گریخته‌است.

خواهر مقتول که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده بود، گفت: خواهرم تازه عروس بود و چندماه قبل با بشیر ازدواج کرد. آنها زندگی خوبی داشتند، اما مدتی قبل متوجه‌شدم که باهم اختلاف پیدا کرده‌اند. شب قبل بشیر و خواهرم را برای مراسم پاک‌گشای خانه‌ام دعوت کردم. آنها شب پس از خوردن مهمال، خانه ما خوابیدند و قرار شد صبح او همراه شوهرم به محل کارش برود و خواهرم پیش من بماند. ساعت ۸صبح شوهرم به سراغ بشیر رفت تا باهم به سر کارشان بروند، اما وی گفت که ساعتی بعد خودش به محل کار می‌رود. شوهرم به محل کار رفت و بشیر در خانه ما بود. پس از رفتن شوهرم، بشیر هم از خانه خارج شد. اما قاضی بعد از رفتن که خیلی عصبانی بود به خانه برگشت. او چاقوی بزرگی در دست داشت. وقتی از او درباره چاقو سؤال کردم مرا تهدید کرد که دخالتی نکنم و به اتاق خواب خواهرم رفت. قصد داشتم مانع او شوم، اما خیلی ترسیده‌بودم و به بیرون رفتم تا از همسایه‌ها در خواست کمک که صدای فریاد دلخراش خواهرم به گوشم رسید. به سرعت به اتاق خواهرم رفتم که با جسد غرق در خون او روبه‌رو شدم و بشیر هم با چاقوی خون‌ز از خانه فرار کرد. با داد و بیداد همسایه‌ها کمک خواستم و آنها هم موضوع را به پلیس و اورژانس خبر دادند.

هم‌زمان با ادامه تحقیقات مأموران جست و جو برای دستگیری قاتل فراری را آغاز کردند تا اینکه در یافتند قاتل ساعتی بعد از حادثه به کلانتری رژی، رفته و خودش را تسلیم پلیس کرده است. متهم در بازجویی‌ها به قتل تازه عروس اعتراف کرد و مدعی شد همسرش به حرف‌های او توجهی نمی‌کرده و به همین دلیل او را به قتل رسانده است. قاتل در شرح ماجرا گفت: من و همسرم تازه باهم ازدواج کرده بودیم. ما زندگی خوبی داشتیم تا اینکه معتاد به مواد مخدر شدم. پس از این اختلافات ما شروع شد. او به حرف‌های من توجهی نمی‌کرد و به دستورات عمل نمی‌کرد. خیلی از کارها و رفتارش خسته‌شدم.بومد تا اینکه تصمیم گرفتم لیندا او را قتل برسانم.بعد همه به زندگی خودم پایان دهم. شب حادثه مهمان خانه باجناقم بودیم. آنها ما را برای مراسم پاک‌شادعوت کرده بودند که صبح روز بعد همسرم را با چاقو به قتل رساندم. متهم پس از تحقیقات تکمیلی در مقامات قتل را بازسازی کرد و کیفرخواست وی به اتهام قتل همسرش صادر شد. پس از این بررسی‌ها برای شناسایی اولیای دم آغاز شد. اما مأموران موفق به شناسایی پدر و مادر مقتول نشدند. از طرفی هم خواهر مقتول ادعا کرد بود گل‌بانو خواهر ناتنی وی است و موفق به ارائه مدارک قانونی و انحصار وراثت به قاضی برنده نشده بود. در چنین شرایطی که اولیای دم مقتول شناسایی نشدند قاضی مدیر روستا پرونده را برای بررسی و تعیین سرنوشته قاتل به مقامات بالاتر قضایی ارسال کرد و دادستان هم برای متهم در خواست پرداخت دیه صادر کرد تا پس از شناسایی اولیای دم به آنها پرداخت شود. بدین ترتیب متهم به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

